مقدّمه- در تأکيد بعرفان يزدان و عمل باوامر و احکامه نازله

حضرت بهاءالله, حضرت عبدالبهاء, حضرت ولی امر الله

اصلی فارسی



### کتاب گنجينه حدود و احکام صفحه 3

## مقدّمه

جمال قدم و اسم اعظم جلّ جلاله در آيات مبارکه و الواح مقدّسه سعادت معنويّه افراد عباد را بدو اصل مهمّ عرفان يزدان و عمل باوامر و احکام نازله از سماء مشيّت حضرت منّان مستند فرموده‌اند. فاقد اين دو اصل از حيات جاودانی بی‌نصيب و محروم است و عارف بيعمل مانند عامل بيعرفان در درگاه عظمت غير مقبول. بيانات الهيّه در باره اين مطلب که اهمّ مطالب محسوب بقدری است که احصای آن از عهده بيرون و اين خود برهانی متين بر اهمّيّت و عظمت اين موضوع است و در اينمقام بذکر قسمتی و نگارش شمّه‌ای از بيانات مبارکه می‌پردازد:

از جمله در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:
"انّ اوّل ما کتب اللّه علی العباد عرفان مشرق وحيه و مطلع امره الّذی کان مقام نفسه فی عالم الأمر و الخلق من فاز به قد فاز بکلّ الخير و الّذی منع انّه من اهل الضّلال و لو يأتی بکلّ الأعمال (بند ١) اذا فزتم بهذا المقام الاسنی و الأفق الأعلی ينبغی لکلّ نفس ان يتّبع ما امر به من لدی المقصود لأنّهما معا لا يقبل احدهما دون الآخر هذا ما حکم به مطلع الألهام." (بند ١)
و در لوح فريدون ميفرمايند قوله تعالی:
"بنام گوينده توانا اي فريدون الحمد للّه از فضل ابهی به بحر ايمان فائز شدی و بافق اعلی توجّه نمودی ولکن محک الهی لم‌ يزل و لا يزال ما بين عباد بوده و خواهد بود و همچنين ميزان الهی در کلّ حين مشهود است بايد در کلّ احيان بحقّ جلّ و عزّ پناه برد و توفيق خواست تا مؤيدّ شود باستقامت بر آنچه ادراک نموده و عمل بآنچه در کتاب الهی نازل شده اگر نفسی در جميع عمر بعبادت مشغول شود و از صفاتيکه سبب ارتفاع امر اللّه است محروم ماند آن عبادت حاصل ندارد و ثمری نخواهد بخشيد"

و در لوح ديگر که ابتدای آن بجمله "ايمهاجر الی اللّه" شروع ميشود ميفرمايند قوله تعالی:

"بسا نفوس که خود را بحقّ نسبت ميدهند ولکن از حقّ بسی غافلند چه که نسبت بقول
تمام نشود و صادق نيايد البتّه هر دعويرا برهان بايد و هر ادعّا را حجّتی شايد. پس کسانيکه خود را بحقّ منسوب ميدارند البتّه بايد آثار تقديس از فعلشان ظاهر شود و
نضره نعيم از وجهشان مشاهده گردد"

و در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:
"انّ الّذين نکثوا عهد اللّه فی اوامره و نکصوا علی اعقابهم أولئک من اهل الضّلال لدی الغنيّ المتعال (بند ٢) يا ملأ الأرض اعلموا انّ اوامری سرج عنايتی بين عبادی و مفاتيح رحمتی لبريّتی کذلک نزّل الأمر من سمآء مشيّة ربّکم مالک الأديان. (بند ٣) لو يجد احد حلاوة البيان الّذی ظهر من فم مشيّة الرحمن لينفق ما عنده و لو يکون خزائن الأرض کلها ليثبت امرا من اوامره المشرقة من افق العناية و الألطاف. (بند ٣)

و در لوح ديگر که به بيان مبارک "جميع را بحکمت امر نموديم" شروع شده ميفرمايند قوله تعالی:
"بعد از عرفان مشرق وحی دو امر لازم يکی استقامت و ديگری اتّباع اوامر اللّه که در کتاب نازل شده طوبی للفائزين."

و در لوح تجلّيات نازل قوله تعالی:
" تجلّی اوّل .... ايمان باللّه و عرفان او تمام نشود مگر بتصديق آنچه از او ظاهر شده و همچنين عمل بآنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته"

و در لوح مانکجی نازل قوله تعالی:
"ايمردمان گفتار را کردار بايد چه که گواه راستی گفتار کردار است و آن بی اين تشنگانرا سيراب ننمايد و کورانرا درهای بينائی نگشايد"

و در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:
"قد تکلّم لسان قدرتی فی جبروت عظمتی مخاطبا لبريّتی ان اعملوا حدودی حبّا لجمالی طوبی لحبيب وجد عرف المحبوب من هذه الکلمة الّتی فاحت منها نفحات الفضل علی شأن لا توصف بالاذکار (بند ٤) "لعمری من شرب رحيق الانصاف من ايادی الالطاف انّه يطوف حول اوامری المشرقة من افق الابداع." (بند ٤)

و نيز ميفرمايند قوله تعالی:
"بگو ای برادران باعمال خود را بيارائيد نه باقوال" ( کلمات مکنونه )

و در لوح رؤس ميفرمايند قوله تعالی:
"رأس الايمان هو التقلّل فی القول و التکثّر فی العمل فمن کان اقواله ازيد من اعماله فاعلموا انّ عدمه خير من وجوده و فنائه احسن من بقائه."

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوحی ميفرمايند قوله العزيز:
"اساس دين اللّه اکتساب کمالات است و استفاضه از فيوضات مقصد از ايمان و ايقان
تزيين حقايق انسانی بفيض کمالات ربّانی است اگر اين حصول نيابد حقيقت حرمان است و عذاب نيران. پس بهائيان بايد نظر باين امر دقيق نمايند که مانند ساير اديان بعربده و هاي و هوی و لفظ بيمعنی کفايت ننمايند بلکه بجميع شئون از خصائل و فضائل رحمانی در روش و رفتار نفوس ربّانی قيام کنند و ثابت نمايند که بهائی حقيقی هستند نه لفظ بيمعنی و بهائی اين است که شب و روز بکوشد تا در مراتب وجود ترقّی و صعود نمايد و نهايت آرزوی هر يک اين باشد که نوعی روش و حرکت نمايد که جميع بشر از آن مستفيض و منّور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حقّ باشد و روش و سلوکش سبب ترقّيات نامتناهيه گردد بقدر قوّه رحمت عالميان شود و بقدر استعداد موهبت عالم انسان گردد و چون باين مواهب موفّق شود ميتوان گفت که بهائی است و الّا در اين دور مبارک که فخر قرون و اعصار است ايمان عبارت از اقرار بوحدانيّت الهيّه نه بلکه قيام بجميع شئون و کمالات ايمان است"

حضرت وليّ امراللّه غصن ممتاز جلّت قدرته در لوح مبارک مورّخ شانزدهم اکتوبر سنه ١٩٢۵ ميلادی ميفرمايند قوله الأحلی:
"معرفت مظهر ظهور اگر ثمر و نتيجه‌اش حسن سلوک و تزکيه اخلاق نباشد از نفوذ و تأثير محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصيرت قابل اعتنا نبوده و نيست. چه که اين معرفت معرفت حقيقی نه بلکه صرف توهّم و تقليد است. و همچنين حسن نيّت و صفای قلب و راستی و صداقت اگر چنانچه از نور شناسائی حقّ محجوب ماند و باقبال بمظهر ظهورش فائز نگردد بالمآل از قوّه دافعه تأييد و امدادات روح القدس که يگانه دافع هموم و کروب اينعالم ظلمانی است ممنوع و از تأثير دائمی و نتائج کلّيّه محروم. فتح و ظفر در اين قرن انور نصيب مؤمن نيک رفتار است نه عالم بدکردار مواعظ علماء سوء که از مقصد دين غافلند و هنر و همّت اهل علم و تقوی که از عرفان معلوم محجوبند هر دو اثرات و نتائجش در حيّز ادنی محدود و فانی ولی ثمرات همم عاليه هر مؤمن پرهيزکار بی‌پايان و باقی چه که مستمدّ از روح نبّاض آئين حضرت بهاءاللّه است و بنفثات روح القدس مؤيّد. اين است شرط وفا اين است سرّ تبليغ امر بها"

بيانات الهيّه که در اينخصوص نازل شده بيشمار و احصای آن از حوصله مقام بيرون است.